

۱. بیان مسئله

انسان نیازهایی دارد که برای ادامه زندگی باید آنها را برآورده کند. با وجود این، همه نیازها از یک نوع نیستند. دسته‌ای از آنها ضروری و اساسی‌اند از قبیل غذا، پوشاک، مسکن و بهداشت. علاوه بر این دسته از نیازها، نیازهای اساسی دیگری نیز وجود دارند که با کمک و گاه به وسیله دیگران ارضا می‌شوند. این نیازها عبارت‌اند از: نیاز به تماس، صحبت، درد دل و... و یا به عبارت دقیق‌تر نیاز به «روابط اجتماعی» که بدون آنها زندگی امکان‌پذیر نیست (رفیع‌پور، ۱۳۷۰، ص ۱۷). بسیاری از اوقات نیازها در پی «مقایسه با دیگران» به وجود می‌آید. همچنین افراد یا گروه‌های مرجع می‌توانند خواسته‌هایی جدید در انسان برانگیزند. «هوندريش احساس بی‌عدالتی نسبی را یکی از مهم‌ترین دلایل به وجود آمدن نیازها می‌داند؛ واقعیتی که انسان‌ها عموماً در رابطه با دیگران احساس نیاز می‌کنند» (رفیع‌پور، ۱۳۷۰، ص ۱۹-۲۰). احساس آرامش و رفاه که پس از ارضای نیاز حاصل می‌آید، امری فراتر از ارضای نیاز است. آسودگی در نتیجه بی‌نیازی به دست می‌آید. تا وقتی احساس کمبود و نیازی در میان است، احساس ناامنی و نآسودگی نیز برقرار است و در صورت ارضای نیاز، جمعیت خاطر و آرامش حاصل می‌شود. البته باید توجه داشته باشیم که این احساس آرامش و لذت و آسودگی تا زمانی پایدار است که نیاز جدید پدید نیامده باشد و این سیر انبساط نیازها پیوسته جاری است. لذا تعادل در ارضای نیازها امری مهم و قابل برنامه‌ریزی است (صدیق اورعی، ۱۳۹۲). گاهی میان دو یا چند نیاز تراحم به وجود می‌آید؛ بدین معنا که نمی‌شود هر دو نیاز را با هم ارضا کرد و یکی، مانع دیگری است. در اینجا باید میان دو یا چند نیاز که با هم تراحم دارند، یکی از نیازها انتخاب شود و طبق آن ترجیح، عمل و اقدامات موردنیاز برای ارضای نیازها نیز اولویت‌بندی شود. طبیعی است که در چنین موقعیتی نیازی اولویت می‌یابد و مقدم می‌شود که اهمیت بیشتری دارد. به عبارتی ملاک ترجیح و اولویت نیازها، درجه اهمیت آنهاست. هر نیازی که اهمیت بیشتری داشته باشد، حق تقدم خواهد داشت. نیازها و ارجحیت آنها تا حد بسیاری تابع ارزش‌ها و هنجارهایی هستند که محیط و جامعه خاص به انسان‌ها می‌دهند (همان). به عبارت دیگر، نیازهای ارضاشده افراد گوناگون جامعه در یک لحظه معین، متفاوت است. بنابراین اولویت‌های رفاهی اشخاص گوناگون، در لحظه معین متفاوت است. هدف اصلی این پژوهش نیز شناخت اولویت‌های رفاهی جامعه آماری است و از سویی دیگر به بررسی تفاوت اولویت‌بندی رفاهی نزد خانوارها می‌پردازد.

بررسی اولویت‌های رفاهی در خانواده‌های منطقه ۹ شهر مشهد

شهبیده صدیق اورعی / کارشناس ارشد برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی shahide.s@gmail.com

غلامرضا صدیق اورعی / دکترای جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد sedighourae@gmail.com

دریافت: ۱۳۹۳/۰۶/۲۴ - پذیرش: ۱۳۹۳/۱۱/۰۱

چکیده

هدف تحقیق حاضر، شناسایی اولویت‌های رفاهی خانواده‌هاست. چارچوب نظری پژوهش، نظریه نیازها (مازلو) است و جامعه آماری پژوهش، مجموعه خانواده‌های منطقه ۹ شهر مشهد می‌باشد که روش پژوهش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای است. حجم نمونه ۱۲۰ خانواده و ابزار اندازه‌گیری، مصاحبه و مشاهده بوده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که وضعیت اجتماعی-اقتصادی خانوارها با اولویت مادی سطح یک رابطه معکوس و منفی و با اولویت مادی سطح دو و اولویت رفاهی منزلی رابطه مثبت دارد. همچنین بین نمره وضعیت اقتصادی و قناعت خانواده، و تعداد اولویت‌های رفاهی مادی خانواده رابطه معکوس وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: اولویت‌های رفاهی، نوع اولویت، شاخص‌های رفاه، سلسله‌مراتب نیازهای مازلو.

با جست‌وجو در پایگاه‌های مختلف در زمینه موضوع پژوهش پیش‌رو، روشن شد که در زمینه اولویت‌های رفاهی، پژوهش‌های بسیار محدودی انجام شده است که ارتباطی مستقیم با موضوع تحقیق حاضر ندارند؛ اما در بررسی آثاری که ارتباط غیرمستقیم با موضوع پژوهش دارند، موارد معدودی به دست آمد که در اینجا به برخی از نتایج مهم این پژوهش‌ها اشاره می‌کنیم. از جمله این آثار، اولویت‌گذاری نیازهای جوانان ۱۵-۲۴ ساله در شهر مشهد است که توسط نیازی (۱۳۸۳) انجام گرفته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که نیازهایی مانند عزت نفس، پیشرفت، جبران شکست، احترام، خودشناسی و احساس رضایت دارای بیشترین اولویت بوده‌اند. از جمله آثاری که در آنها به امر تبیین پرداخته شده، پژوهش فیروز سامعی است که در آن، وضع رفاه یکی از متغیرهای اصلی است و با دو متغیر کیفیت زندگی و عدالت توزیعی اندازه‌گیری شده است (ر.ک: فیروز سامعی، ۱۳۸۳). زارعی‌پور و همکاران (۱۳۹۱) پژوهشی توصیفی-تحلیلی درباره رابطه سلامت روان و ارتباط آن با رفاه خانواده در میان ۱۶۰ نفر از دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی با استفاده از پرسش‌نامه رفاه خانواده در شهرستان سلماس انجام داده‌اند و نتیجه گرفته‌اند که خانواده‌هایی با رفاه آنها خوب، متوسط و نامطلوب، بین ۲۲ تا ۶۱ درصد اختلال روانی دارند. قاسمی/اردهایی (۱۳۸۷) بررسی تطبیقی وضعیت رفاه در خانوارهای شهری و روستایی را در تهران با استفاده از داده‌های طرح آمارگیری از خصوصیات اقتصادی-اجتماعی خانوار در سال ۱۳۸۰ انجام داده است که نتایج آن نشان می‌دهد در همه شاخص‌های رفاهی، خانوارهای شهری و وضعیتی بسیار بهتر از خانوارهای روستایی دارند و از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر این وضعیت، نامناسب بودن وضع مالی روستاییان، هنجارهای حاکم بر خانوارهای روستایی از جمله اهمیت زمان حال نسبت به آینده، شیوه‌های امرار معاش و نوع شغل آنها اشاره کرد. همچنین نتیجه پژوهش جهانگیر فیض‌آبادی (۱۳۸۶) که رابطه کیفیت زندگی و رضایت از زندگی را بررسی کرده است، رابطه‌ای قوی و مستقیم (۰/۶۲) را میان این دو متغیر نشان می‌دهد. در پژوهش عمرانی و همکاران (۱۳۸۸)، تغییرات رفاهی خانوارها و میزان مصرف و نوع تغییرات از کالاهای ضروری‌تر بر کالاهای مصرفی و غیرضروری، نشان‌دهنده اولویت‌های رفاهی از انواع مختلف از جمله مادی، منزلتی و فراختی است. مقاله محمدتقی شیخی (۱۳۸۶) با عنوان «بودجه و رفاه خانواده در شهر تهران» نشان داد که موقعیت اجتماعی-اقتصادی و متعاقباً رفاه اجتماعی خانواده، خود به طور گسترده متأثر از درآمد و پس‌انداز در خانواده است. دو خانواده هرگز دقیقاً و به طور یک‌سان درآمد خود را با تأثیرپذیری از الگوهای هزینه و مصرف خرج نمی‌کنند؛ یعنی هزینه و مصرف، بر اساس الگوهای کیفی رفتار تعیین می‌شود.

خانواده‌های فقیر باید درآمد خود را به‌طور وسیعی صرف نیازهای معیشتی کنند. در عین حال، میزان پس‌انداز بیشتر، خود اطمینان بیشتری است جهت مصرف بیشتر در آینده و عکس آن به سطح مصرف کمینه زیستی (بیولوژیک) سوق می‌یابد؛ یعنی وضعیتی که به تضعیف سلامت شیوه زندگی و کیفیت زندگی نامناسب می‌انجامد. کمبود بودجه در خانواده، آسیب‌پذیری آن را در برابر بسیاری از موارد بحران افزایش می‌دهد و بر وضعیت اجتماعی-اقتصادی خانواده تأثیر می‌گذارد. از سوی دیگر، بودجه بیشتر خانوار/ خانواده به سلامت بهتر خانواده کمک می‌کند، که خود در نهایت به افزایش امید زندگی، و به‌طور متوسط به کاهش فراوانی بیماری‌ها در خانواده منجر می‌شود.

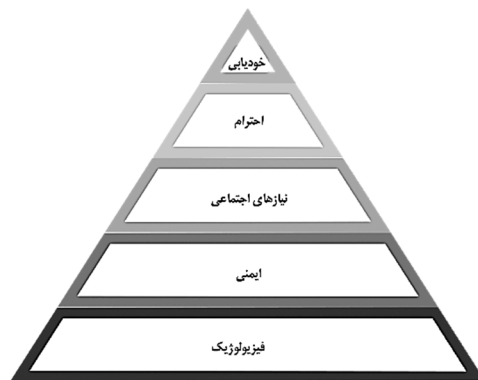
مطالعاتی در زمینه رفاه از جنبه‌های گوناگون در کشورهای دیگر انجام شده است؛ از جمله مطالعات ترلسکی (Terleckyi) در سال ۱۹۷۵ که برای اندازه‌گیری کیفیت زندگی ۲۲ شاخص و ۶ حوزه از شرایط اجتماعی ارائه شده است. یکی از این حوزه‌ها، حوزه سکونت است (پارک، ۲۰۰۶). همچنین است مطالعه ترنر و وایتهد (۲۰۰۲) درباره شاخص‌های دسترس خانوارها به حوزه‌های رفاهی مانند برق، آب، وسایل رفاهی خانوار و اسباب و اثاثیه. در پژوهش بروک و همکاران (۲۰۱۰) آزمون مستقیمی از تئوری روان‌شناختی بسیار و سعت یافته نقطه مجموعه است که نتایج آن نشان داده‌اند با استفاده از نظریه انتخاب جدیدتر اقتصاددانان که روان‌شناسان پوزیتیویست نیز آن را تأیید کرده‌اند، تغییرات طولانی‌مدت در شادی مشاهده می‌شود. داده‌های این تحقیق، از یک پژوهش اقتصادی-اجتماعی طولی (۲۰۰۸-۱۹۸۴) در آلمان، منحصر به تحقیق طولی ۲۵ ساله، به دست آمده‌اند.

در بیشتر پژوهش‌های بررسی شده درباره قشر ویژه‌ای از جامعه مطالعه شده که مسلماً موقعیت طبقاتی آن قشر، نوع نیازها و انتظارات آنان را تعیین می‌کند و احتمالاً این وضع در میان همه افراد جامعه تعمیم‌پذیر نیست. در پژوهش پیش‌رو جامعه آماری دربردارنده همه افراد در منطقه‌ای ویژه از شهر مشهد است و تلاش پژوهشگر بر آن بوده که به مطالعه یک منطقه بپردازد. ضمناً چون جامعه آماری آن خانوار است، می‌تواند همه قشرهای مطالعه‌شده در پژوهش‌های پیشین (کارمندان، دانشجویان و...) را دربر گیرد که از این حیث، این پژوهش در سطحی گسترده‌تر و متنوع‌تر انجام شده است. با این حال تفاوت اصلی و برتری مهم این پژوهش بر پژوهش‌های پیشین این است که در پژوهش‌های انجام شده پیشین، شاخص‌ها و استانداردهای عینی از قبل تعیین شده رفاه در میان انواع جوامع آماری، اندازه‌گیری شده‌اند؛ درحالی‌که در این پژوهش، پژوهشگر به بررسی و تعریف اولویت‌های رفاهی و ذهنی افراد پرداخته است. رفاه و آرامش، حاصل ارضای نیازهاست. از این‌رو بررسی و فهم اولویت‌های

جامعه و فرهنگ همان‌گونه که می‌توانند مانع بروز نیازها شوند، مولد آنها نیز هستند و بسیاری اوقات سرپیچی از هنجارهای اجتماعی و نیازهای القاشده از سوی جامعه، با فشار اجتماعی روبه‌روست. همان‌گونه که عدم ارضای نیاز، سبب اختلال و آسیب و افزایش تنش‌ها و اضطراب‌هاست، ارضای آن نیز موجب سلامت، آسایش و آرامش خواهد شد، و وسیله‌ای برای رسیدن انسان به کمال خواهد بود. در بحث پویایی نیازها این نکته پیش می‌آید که نیازهای انسانی تا حدی انبساط می‌یابند که اعضای جامعه بتوانند به استانداردهای اجتماعی دست یابند و نیازهای خود را ارضا کنند. این تعادل ناشی از ارضای نیازها تا زمانی ادامه می‌یابد که هنجارها و استانداردهای جدید وارد جامعه نشده باشند. بدین ترتیب پویایی و نوبه‌نو شدن نیازها شکل می‌گیرد (رفیع‌پور، ۱۳۷۰، ص ۶۰).

نظریه سلسله‌مراتب نیازهای مازلو از جمله نظریاتی است که در روان‌شناسی اجتماعی مطرح شده، اما به دلیل جامعیت، در بسیاری از پژوهش‌ها در حوزه‌های مدیریت، جامعه‌شناسی سازمان‌ها و غیره به صورتی گسترده مورد استفاده قرار گرفته است (موون و مینور، ۱۳۸۱، ص ۱۷۰). مازلو در نظریه سلسله‌مراتبی بودن نیازها، نیازهای انسانی را به نیازهای فیزیولوژیک، ایمنی، احساس تعلق، عشق و محبت و خودشکوفایی تقسیم می‌کند که لازمه رسیدن به هر کدام، ارضای نسبی نیاز مرحله پایین‌تر است؛ در عین اینکه در این سلسله‌مراتب انعطاف وجود دارد (مازلو، ۱۳۶۷، ص ۵۱). در مجموع هر می که مازلو مطرح ساخته دارای پنج رده و لایه اصلی است که هر رده نشان‌دهنده یک دسته از نیازهای انسانی است.

نمودار ۱ هرم سلسله‌نیازهای مازلو



رفاهی اشخاص گوناگون، از اهمیت بسیار برخوردار است؛ زیرا رضایت از زندگی را به دنبال دارد و زمینه ارتباط سالم و مؤثر اجتماعی را به وجود می‌آورد و در نتیجه بسیاری از مشکلات اجتماعی را کاهش می‌دهد. پژوهش درباره نیازهای واقعی قشرهای گوناگون مردم از نگاه خودشان، به شناخت جامعه کمک می‌کند و امکان نوعی برنامه‌ریزی‌های اقتصادی- اجتماعی را فراهم آورد که بر پایه شناخت تجربی و واقعی باشد. از سوی دیگر، با توجه به اولویت‌های رفاهی و طبقه‌بندی آنها و مقایسه گروه‌های مختلف اجتماعی، می‌توان تا حدی از نیازآفرینی جلوگیری کرد.

۲. چارچوب نظری پژوهش

رفاه اجتماعی علاوه بر رفع نیازهای اولیه بنیادین، نیازهای معنوی و تمایلات و خواسته‌های افراد را نیز دربر می‌گیرد. کیفیت و بهبود زندگی تا حد فراوانی به احساس آرامش و آسایش، و داشتن امنیت وابسته است که همه اینها در مجموع معنای رفاه را بیان می‌کنند. درحالی‌که این احساس‌ها و نیازها، متأثر از زمان و مکان و محیط‌های ویژه‌ای هستند که هر فرد در آن زندگی می‌کند.

شاخص‌های ذهنی رفاه (اگرچه هنوز ابزار دقیق و قطعی برای سنجش آنها در دست نیست) به اندازه شاخص‌های عینی دارای اهمیت‌اند و در بررسی میزان رفاه یک فرد و یک جامعه، توجه به آن ضروری است. در اهمیت شاخص‌های رفاه می‌توان گفت که آنها مهم‌ترین پایه اطلاعاتی برای برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران امور اجتماعی هستند؛ لذا هدف از به‌کارگیری معیارهای رفاه، تعیین میزان رضایت فرد از شرایط زندگی خود در زمینه‌های گوناگون است و از آنجاکه فلسفه رفاه اجتماعی ایجاد امنیت و آرامش از طریق تأمین نیازهای اولیه و ثانویه انسان‌ها و در نتیجه کاهش اضطراب‌هاست، شناخت و تعریف نیازها اهمیت می‌یابد (زاهدی‌اصل، ۱۳۸۱).

نیاز عبارت است از: «کمبود مخل در سیستم». هر گاه سیستمی وجود داشته باشد و نقص و کمبودی در آن سیستم پدید آید که در کار سیستم اختلال و عدم تعادل ایجاد کند، این کمبود نیاز نامیده می‌شود. بنابراین به صرف احساس کمبود که مخل و برهم‌زننده تعادل زیستی نباشد، نیاز گفته نمی‌شود و می‌توان آن را نیاز کاذب دانست. نیاز اولیه از عمق ساختمان جسمی و روحی بشر و از طبیعت زندگی اجتماعی سرچشمه می‌گیرد که می‌تواند نیاز جسمی (مانند خوراک و پوشاک)، نیاز روحی (مانند علم و زیبایی) و یا نیاز اجتماعی (همچون معاشرت، مبادله، عدالت و آزادی) باشد. نیازهای ثانویه از نیازهای اولیه ناشی می‌شود؛ نیاز به انواع آلات و وسایل زندگی که در هر عصر و زمانی با عصر و زمان دیگر متفاوت است (رفیع‌پور، ۱۳۷۰، ص ۱۶).

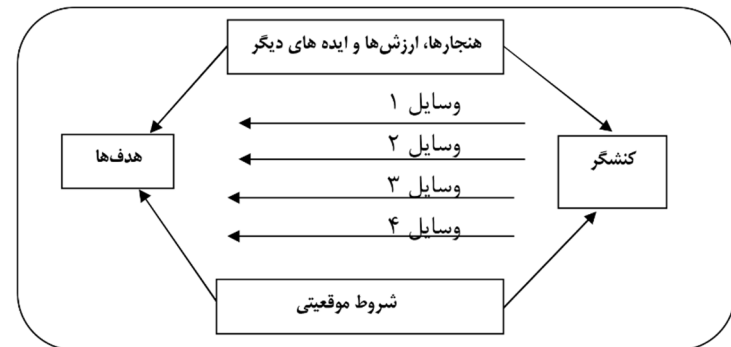
نظریه کنش پارسونز هم به نظام‌های محیط بر کنش فردی مانند هنجارها و ارزش‌ها، و هم به هدفمندی شخص اشاره دارد (ترنر، ۱۳۸۲، ص ۴۸). کنش ارادی از دیدگاه پارسونز شامل این عناصر است:

۱. کنشگر که یک فرد است؛
 ۲. کنشگر هدف‌جو تلقی می‌شود؛
 ۳. کنشگر وسایل بدیل برای رسیدن به هدف‌ها در اختیار دارد؛
 ۴. کنشگر با انواع شروط موقعیتی مانند ساختمان زیستی و وراثت خود، و نیز محدودیت‌های بوم‌شناختی بیرونی که بر انتخاب هدف‌ها و وسایل اثر می‌گذارند، روبه‌روست؛
 ۵. کنشگر تحت سیطره ارزش‌ها، هنجارهای و ایده‌های دیگر پنداشته می‌شود. این ایده‌ها بر این مسئله که هدف چیست و چه وسایلی باید برای رسیدن بدان انتخاب شوند، تأثیر می‌گذارد.
- بنابراین کنش عبارت است از: اخذ تصمیمات ذهنی کنشگر درباره وسایل رسیدن به هدف‌ها، که همه آنها به وسیله ایده‌ها و شروط موقعیتی محدود می‌شوند (ترنر، ۱۳۷۲، ص ۴۹).

نیازها و داشتن اولویت‌های رفاهی اشخاص، در فرایند تصمیم‌گیری و کنش، مصداقی از هدفمندی کنشگر موردنظر پارسونز است. در واقع، متغیر اولویت رفاهی با متغیر هدفمندی پارسونز تطبیق دارد. هر فردی دارای اولویت‌های رفاهی خاص خود است، همان است که کنشگر دارای هدف‌هایی است و هدفمند عمل می‌کند.

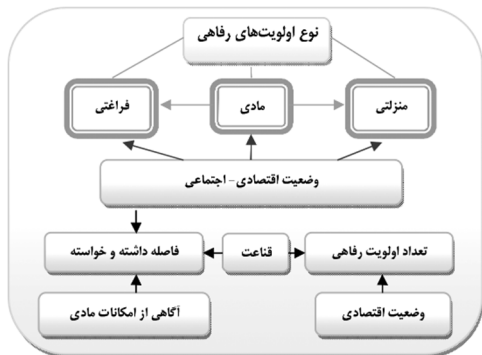
مرتون نیز همانند پارسونز از هدفمندی کنشگر سخن می‌گوید، با این تفاوت که وی این هدف‌ها را «القاشده توسط جامعه» می‌داند. اولویت‌های رفاهی نیز ممکن است تحت تأثیر القای جامعه باشند (روشه، ۱۳۷۶، ص ۵۹).

نمودار ۲. واحدهای کنش ارادی (ترنر، ۱۳۷۲، ص ۴۹)



در این پژوهش، طبق نظریه مازلو، اولویت‌های رفاهی اشخاص نیز دارای سلسله‌مراتب است. اینگلههارت از این مفهوم با عنوان ارزش‌های مادی و فرامادی یاد می‌کند (اینگلههارت، ۱۹۹۷، ص ۱۵۱). در نظریه مازلو، نخستین دسته از نیازهای بنیادین همان نیازهای فیزیولوژیک‌اند که در صورت برآورده نشدن به اختلال در شخص می‌انجامند. براین اساس می‌توان گفت نخستین اولویت‌های رفاهی برای اشخاص، اولویت‌هایی‌اند که به ارضای نیازهای فیزیولوژیک کمک می‌کنند، و در صورت برآورده شدن این اولویت‌ها، اشخاص متوجه نیازها و اولویت‌های بالاتر می‌شوند؛ مانند اولویت‌های منزلتی و فراغتی، که متناظر با نیازهای دسته سوم تا پنجم مازلو هستند. می‌توان حدس زد که افراد با موقعیت اجتماعی — اقتصادی بالاتر، نیازهای فیزیولوژیک‌شان ارضا می‌شود و نیازهای فیزیولوژیک، اولویت رفاهی آنان نیست؛ همان‌گونه که اینگلههارت این مسئله را در جامعه صنعتی پس از جنگ جهانی دوم نشان داده است. بنابراین پس از واکاوی نظریات و پژوهش‌ها و بررسی ارتباطشان با متغیرهای اصلی مورد مطالعه در پژوهش پیش‌رو، الگوی علی متغیرها در نمودار ۳ نشان داده می‌شوند و بر پایه الگوی پژوهش، فرضیه‌ها ارائه می‌شوند:

نمودار ۳. الگوی علی اولویت‌های رفاهی



به این ترتیب فرضیات پژوهش بدین قرارند:

۱. هر چه اولویت‌های رفاهی - مادی اشخاص بیشتر ارضا شده باشند، و به عبارتی هر چه نمره افراد از اولویت‌های مادی کمتر باشد، نسبت اولویت‌های رفاهی، منزلتی و فراغتی آنان در مجموعه اولویت‌های رفاهی‌شان بیشتر می‌شود (نمره اولویت‌های منزلتی و فراغتی آنان بیشتر خواهد بود)؛

۲. اگر شخص از لحاظ اقتصادی- اجتماعی وضعیت پایین‌تری داشته باشد، آن‌گاه اولویت‌های رفاهی او بیشتر مادی‌اند و اگر از این حیث در وضع بهتری باشد، آن‌گاه اولویت‌های رفاهی‌اش بیشتر منزلتی و فراغتی خواهد بود؛

۳. اگر شخص دارای وضعیت اقتصادی بهتری باشد، تعداد اولویت‌های رفاهی — مادی‌اش کمتر خواهد بود؛

۴. هرچه خانواده‌ها از لحاظ شخصیتی و اخلاقی قانع‌تر باشند، تعداد اولویت‌های رفاهی‌شان کمتر است؛

۵. هر چه میزان آگاهی اشخاص از امکانات رفاهی بیشتر باشد، فاصله داشته‌ها با خواسته‌های آنان نیز افزایش خواهد یافت (احساس ناکامی بیشتر خواهد بود)؛

۶. هر چه وضع اقتصادی- اجتماعی اشخاص بهبود یابد، فاصله داشته‌ها با خواسته‌های اغلب آنان بیشتر خواهد شد؛

۷. هر چه اشخاص از لحاظ شخصیتی و اخلاقی قانع‌تر باشند، فاصله داشته‌هایشان و خواسته‌هایشان کمتر خواهد بود.

۳. متغیرهای پژوهش و شیوه سنجش آنها

دو متغیر وابسته این پژوهش، اولویت‌های رفاهی، و فاصله داشته‌ها و خواسته‌هاست.

۳-۱. اولویت‌های رفاهی

اولویت: اولویت، خصوصیت چیزی یا کسی است که بر اساس قدرت یا ارزش یا اهمیت، جایگاه نخست را به خود اختصاص می‌دهد (صلیبیا، ۱۳۷۰، ص ۶۷).

اولویت رفاهی: هر شخصی در یک لحظه معین با توجه به امکانات و تجربه پیشین، برای احساس لذت، رضایت، آسایش و آرامش و به عبارت دیگر برای رفاه، بهره‌مندی از امکاناتی معین و قرار داشتن در وضعیتی ویژه را بر دیگر موارد مشابه ترجیح می‌دهد. این ترجیح برخوردار از عوامل معین راه، اولویت رفاهی آن شخص در آن زمان و مکان معین گویند (صدیق‌اورعی، ۱۳۹۲).

اولویت‌های رفاهی در پژوهش پیش‌رو به سه دسته مادی، فراغتی و منزلتی تقسیم شده‌اند.

اولویت رفاهی مادی: اگر شخصی بهره‌مندی از امکانات و برخوردار از عوامل زیستی و معیشتی از قبیل خوراک، پوشاک، مسکن، بهداشت، شغل و آموزش را در یک زمان و مکان معین

بر دیگر موارد ترجیح دهد، اولویت رفاهی وی از نوع مادی است. اولویت مادی سطح ۱ شامل این موارد است: درآمد به اندازه مناسب، شغل، مسکن، پوشاک و سر و وضع بهتر، خورد و خوراک، تهیه امکانات ضروری زندگی مانند آب، گاز و یخچال، هزینه و خرج عروسی، خودرو و ازدواج فرزندان. اولویت مادی سطح ۲ شامل این موارد است: رایانه، لپ‌تاپ، وسایل برقی و صوتی و...، خرید مسکن برای فرزندان یا ساخت طبقه دیگر، مهیا کردن شغل برای فرزندان و تهیه مخارج دانشجویی فرزندان.

اولویت منزلتی: اگر شخصی بهره‌مندی از امکانات و برخوردار از عواملی را که سبب کسب احترام و شأن اجتماعی می‌شود، در یک زمان و مکان معین بر دیگر موارد ترجیح دهد، اولویت رفاهی وی از نوع منزلتی است. کارهایی از قبیل تعویض اثاثیه منزل و دکوراسیون، تغییر محل سکونت و یا خرید خانه بزرگ‌تر و شیک‌تر، تأمین‌کننده این اولویت‌اند.

اولویت فراغتی: اگر شخصی بهره‌مندی از امکانات و برخوردار از عوامل تفریحی همچون استراحت و تعطیل کردن کار در یک زمان و مکان معین بر دیگر موارد ترجیح دهد، اولویت رفاهی وی از نوع فراغتی است؛ مانند، رفتن به سفرهای داخلی و خارجی، رفتن به سفرهای زیارتی مانند کربلا و حج، خرید باغ یا ویلا، رفتن به کلاس‌های تفریحی، ورزشی، هنری و ادبی.

اولویت‌های رفاهی، متغیر وابسته پژوهش پیش‌روست که خود شامل ۲۷ متغیر و ۳ دسته و مرحله می‌شود. افراد نمونه نیازها و کمبودهای مهم زندگی خود را به ترتیب اهمیت بیان کرده‌اند (که این نیازها در میان متغیرهای یادشده قرار می‌گرفته است)، و از آنجا که بیشترین فراوانی تعداد نیاز، ۹ مورد بوده است، در نتیجه خانواده‌ها برحسب اولویت‌های خود، مرتبه و اهمیت و تعداد آنها، نمره‌ای از ۰ تا ۹ گرفته‌اند (نمره صفر به معنای نداشتن اولویت، نمره ۱، نمایانگر اولویت آخر و نمره ۹ مربوط به اولویت اول است). به عبارت دیگر، نوع و تعداد اولویت‌ها، متغیرهای وابسته‌اند.

۳-۲. فاصله داشته و خواسته

اگر یکی از معانی فاصله داشته و خواسته را فاصله و شکاف میان انتظارات و ادراکات فرض کنیم، می‌توان این مفهوم را چنین تعریف کرد: «کیفیت خدمت فاصله و شکاف بین انتظارات دانشجو از خدمت و ادراکات او از خدمت دریافت‌شده» (پاراسورامان و همکاران، ۱۹۹۸). تفاوت آنچه اشخاص از ابزار و امکانات مادی و معنوی در جهت ارضای نیازهای خود و در

نتیجه دستیابی به اولویت‌های رفاهی، در اختیار دارند با آنچه را تمایل دارند که داشته باشند، فاصله میان داشته و خواسته گویند. فاصله داشته‌ها و خواسته‌ها از طریق درصد خواسته‌ها یا امکانات موردنیاز، منهای برخورداری از اولویت‌های رفاهی افراد (این فاصله برای هر اولویت و نیاز از ۱ تا ۱۰۰ نمره‌گذاری شده است) به دست می‌آید. این متغیر که به فاصله بین نیازها و آرزوها با امکانات و زمینه‌های موجود برای رسیدن به آنها برمی‌گردد، خود متغیری پیامدی برای متغیر وابسته است.

۴. متغیرهای مستقل

متغیرهای مستقل عبارت‌اند از: وضعیت اقتصادی-اجتماعی، آگاهی از امکانات مادی و قناعت.

۴-۱. موقعیت‌های اقتصادی اجتماعی

میزان بهره‌مندی و برخورداری شخص از درآمد، مسکن، سایر امکانات زندگی، نوع شغل و منطقه مسکونی، موقعیت اقتصادی — اجتماعی شخص در یک نظام رتبه‌بندی را نشان می‌دهد. این متغیر از طریق وضعیت اقتصادی (درآمد سرانه فرد در ماه) و وضعیت اجتماعی (نوع شغل و میزان تحصیلات زن و شوهر) به‌گونه مستقیم مورد سنجش قرار گرفت.

۴-۲. میزان آگاهی از امکانات مادی

منظور از آگاهی، اطلاع از وسایل و ابزار جدید رفاهی موجود در بازار و مدل‌های جدید لباس، کیف و کفش و... است. برای بررسی میزان آگاهی از امکانات مادی به‌طور مستقیم، از پاسخ‌گویان میزان آگاهی شان از وجود وسایل و ابزار جدیدی که به بازار آمده است (مانند وسایل جدید منزل از جمله انواع وسایل جدید اتوماتیک آشپزی، ماشین ظرفشویی، مایکروفر، تلویزیون‌های ال‌سی‌دی، ال‌ای‌دی و...، مدل‌های جدید رایانه و لپ‌تاپ، انواع گوشی) و آشنایی با مدل‌های جدید لباس و آرایش موی سر، کیف و کفش (مد روز) پرسیده شده است.

۴-۳. قناعت

قناعت به معنای رضایت از داشته‌هاست (نراقی، ۱۳۶۷، ص ۱۰۱). بررسی میزان رضایت از داشته‌های مادی و رفاهی زندگی (از «بسیار راضی» تا «اصلاً راضی نیستم») و رضایت از وضعیت غیرمادی و معنوی زندگی (از «بسیار راضی» تا «اصلاً راضی نیستم») نحوه سنجش این متغیر است.

۵. روش‌شناسی

روش تحقیق در این پژوهش، پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش پیش‌رو، کلیه خانوارهای ساکن در منطقه ۹ شهر مشهد است. دلیل برگزیدن این منطقه به‌منزله جامعه آماری، تنوع و گوناگونی وضعیت اقتصادی-اجتماعی مردم ساکن در این منطقه در سه طبقه بالا، پایین و متوسط است. پس از انجام مطالعات اولیه، حجم نمونه ۱۲۰ نفر انتخاب شد. روش نمونه‌گیری در این تحقیق، ترکیبی از طبقه‌ای و خوشه‌ای چندمرحله‌ای است که در داخل خوشه‌ها، اعضای پاسخ‌گو به صورت تصادفی سیستماتیک انتخاب شدند.

از آنجاکه سنجش نیازها و اولویت‌های آنان، امری ذهنی است، و به منظور جلوگیری از تلقین نیازی که کمبود آن احساس نشده توسط پرسش‌نامه و پرسش‌های بسته و عدم جامعیت نیازهای پرسیده‌شده، برای جمع‌آوری داده‌ها از تکنیک مصاحبه و مراجعه به تک‌تک افراد نمونه بهره جستیم.

برای بررسی روایی محتوایی، از نظرات صاحب‌نظران و پژوهشگران برجسته و نیز استادان متخصص دانشگاه در زمینه نحوه سنجش هریک از متغیرها (که نشان‌دهنده قلمرو محتوایی متغیر است) در ابزار خود استفاده کردیم. پس از چند بار بازبینی و انجام مصاحبه‌های اکتشافی و مشخص شدن و برطرف کردن اشکالات محتوایی، پرسش‌نامه اولیه تهیه شد.

همچنین برای بررسی پایایی از روش آزمون — آزمون مجدد استفاده کرده‌ایم؛ به این صورت که پرسش‌های مربوط به متغیر اصلی پژوهش (اولویت‌های رفاهی) در مصاحبه اکتشافی، که پیش از تهیه پرسش‌نامه صورت گرفت، از پاسخ‌گویان یک‌سانی در فاصله دو هفته دو بار پرسیده شد. ترتیب و نوع اولویت‌های رفاهی آنان در هر دو بار یک‌سان بود؛ یعنی در واقع ابزار، دو بار مورد آزمون قرار گرفت و نتایج یکسانی را نشان داد که این ثبات ابزار را نشان می‌دهد.

۶. یافته‌های پژوهش

از میان ۱۲۰ پاسخ‌گو، ۸۶ در صد زن هستند و تنها ۱۴ در صد پاسخ‌گویان مرد هستند که این توزیع نابرابر به واحد تحلیل و موضوع تحقیق بازمی‌گردد. به عبارتی از آنجاکه واحد تحلیل، خانوار و موضوع اولویت‌های رفاهی آنان است، در نتیجه زنان پاسخ‌گویان بهتری برای این امر هستند؛ زیرا از سویی زنان بیشتر طرف مشورت فرزندان برای دانستن انواع نیازها و کمبودها قرار می‌گیرند و از سوی دیگر اولویت‌بندی نیازها در خانواده بیشتر با زنان است. از لحاظ بُعد

از لحاظ متغیر میزان قناعت، می‌توان گفت بیش از نیمی از خانواده‌ها (۶۱/۶ درصد)، خود را از لحاظ شخصیتی قانع معرفی کرده‌اند؛ بدین معنا که نسبت به آنچه دارند، چه از لحاظ مادی و چه از لحاظ غیرمادی، احساس رضایت داشته‌اند.

درباره متغیر آگاهی از امکانات مادی در نمونه آماری حاضر، تقریباً نیمی از خانوارها خود را «تا حدی آگاه» یا «آگاه» معرفی کرده‌اند و نیمی دیگر «ناآگاه». در واقع میانگین (۳/۲۲) و میانۀ (۳/۵) نزدیک به هم در این متغیر نشان‌دهنده واریانس پایین (۱/۷۳) یا شباهت فراوان خانوارهای نمونه به یکدیگر است.

متغیر فاصله داشته و خواسته از سویی به تفاوت آرزوها و نیازها و از سویی به وسایل و امکانات ارضای آنها بازمی‌گردد. شاخص مرکزی میانۀ فاصله داشته و خواسته در نمونه مورد تحقیق نمره ۱۸۰ بوده است؛ درحالی‌که نما که بیشترین فراوانی را نشان می‌دهد، نمره ۵۰، و میانگین این متغیر ۲۰۹ است. کمترین نمره فاصله داشته و خواسته ۳۰، و بیشترین آن نمره ۷۰۰ بوده است. نزدیک به نیمی از افراد نمونه، فاصله «بسیار کم» یا «کم» بین داشته‌ها و خواسته‌های خود دارند (۴۹/۲ درصد) و ۲۰ درصد افراد فاصله «زیاد» و «بسیار زیاد» بین خواسته‌ها و داشته‌هایشان داشته‌اند.

همان‌گونه که در جدول ۲ مشخص شده است، اولویت‌های رفاهی و مادی در هر اولویت بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. نزدیک به ۵۳ درصد افراد دست‌کم یکی از نیازهای مادی را به‌منزله اولویت‌های اول خود انتخاب برگزیده‌اند و حدود ۴۹ درصد دست‌کم یکی از نیازهای مادی را اولویت دوم خود اعلام کرده‌اند. این نشان‌دهنده آن است که نیمی از افراد نمونه آماری، نیازهای مادی را به‌منزله مهم‌ترین اولویت و نیاز خود انتخاب نکرده‌اند که می‌تواند حاکی از ارضای این سطح از نیازها نزد آنان باشد. از میان گزینه‌های نیازهای مادی، مسکن، خوراک و تهیه مسکن برای فرزند دارای بیشترین فراوانی هستند.

درصد خانوارهایی که دست‌کم یکی از نیازهای منزلتی خود را اولویت دوم (۱۶/۷٪) دانسته‌اند بیشتر از خانوارهایی است که دست‌کم یکی از نیازهای منزلتی را در جایگاه اولویت اول (۱۲/۵٪) قرار داده‌اند. ۱۰/۸ درصد نیز این نیاز را اولویت سوم خود اعلام کرده‌اند. از بین این متغیرها، متغیر تعویض وسایل و دکوراسیون منزل و تغییر نوع خودرو یا خرید خودروهای دوم، بیشترین سهم را داشته‌اند.

خانوار، بیشترین درصد به خانوارهای ۳ و ۴ نفره اختصاص دارد (۵۲/۵٪) و از لحاظ درآمد ماهانه، ۴۲/۵ درصد خانوارهای نمونه، درآمد شان تا ۵۰۰ هزار تومان است که درآمدی پایین و متوسط رو به پایین به شمار می‌آید.

حدود ۲۴ درصد پاسخ‌گویان بی‌سواد هستند و یا تحصیلات ابتدایی دارند؛ حدود ۳۷ درصد دارای تحصیلات راهنمایی تا دیپلم‌اند و حدود ۳۹ درصد نیز تحصیلات دانشگاهی دارند. حدود ۲۳ درصد پاسخ‌گویان جوان (۲۰-۳۰ سال)، ۵۹ درصد میان سال (۳۱-۵۵ سال) و ۱۷/۵ درصد سالخورده (بالتر از ۵۵ سال) هستند.

جدول ۱. توصیف متغیرهای مستقل

متغیر	میانگین	میانۀ	انحراف از میانگین	انحراف معیار	واریانس	کمترین مقدار	بیشترین مقدار
درآمد سرانه خانوار	۲۷۶ (به هزار تومان)	۱۷۱	۲۵۶	۲/۸۱	۷/۹	۱۰,۰۰۰	۱۵۰۰,۰۰۰
قناعت	۳/۵	۳/۵	۰/۰۸۵	۰/۹۳۷	۰/۸۷۸	۱	۵
آگاهی از امکانات مادی	۳/۲۲	۳/۵	۰/۱۲	۱/۳۱	۱/۷۳	۱	۵
فاصله داشته‌ها و خواسته‌ها	۲۰۹	۱۸۰	۱۳/۲	۱۴۳/۱	۲۰۴۸۱	۳۰	۷۰۰

جدول ۲. درصد اولویت‌های اول تا نهم برای هر متغیر

اولویت‌های رفاهی	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	هفتم	هشتم	نهم
اولویت‌های مادی	۵۲/۴	۴۹/۳	۳۷/۵	۲۱/۷	۸/۲	۳/۴	۲/۵	۰/۸	۰/۸
اولویت‌های منزلتی	۱۲/۵	۱۶/۷	۱۰/۸	۵/۸	۵/۰	۲/۵	۰	۰	۰
اولویت‌های فراغتی	۱/۶	۳/۳	۷/۴	۶/۷	۵/۰	۱/۶	۰/۸	۰	۰

جدول ۳. رتبه‌بندی تعداد اولویت‌ها

طبقات سنی	بدون اولویت	یک یا دو اولویت	سه یا چهار اولویت	پنج اولویت به بالا	جمع
فراوانی	۴	۳۹	۵۳	۲۴	۱۲۰
درصد	۳/۳	۳۲/۵	۴۴/۲	۲۰/۰	۱۰۰
تراکمی صعودی	۳/۳	۳۵/۸	۸۰/۰	۱۰۰	-

ملاک و وضعیت اقتصادی، درآمد سرانه است که از تقسیم درآمد بر تعداد اعضای خانوار به دست می‌آید. میانگین درآمد سرانه، ۲۷۶ هزار تومان است. کمترین مقدار درآمد برای هر نفر در ماه، ۱۰ هزار تومان و بیشترین مقدار یک میلیون و پانصد هزار تومان است. بدین ترتیب در نمونه حاضر، درآمد سرانه ۴۵/۸ درصد خانوارها در حد پایین و ۲۳/۳ درصد، در حد متوسط است و نیز ۳۰/۸ درصد خانوارها درآمد سرانه بالا و یا بسیار بالا دارند.

انتظار می‌رود کسانی اولویت‌های فراغتی را در درجه اول انتخاب کنند که اولویت‌های اولیه مادی شان مانند تهیه خوراک و پوشاک، مسکن و شغل ارضا شده باشد. مجموع در صد‌های اندک اولویت‌های فراغتی نیز می‌تواند گویای همین مطلب باشد؛ چراکه بیشتر افراد جامعه اولویت‌های مادی را در درجه اول یا دوم انتخاب برگزیده‌اند.

جدول ۳ تعداد اولویت‌های انتخابی را نشان می‌دهد. درباره تعداد اولویت‌ها، باید گفت بیشتر خانوارها دارای سه یا چهار اولویت بوده‌اند (۴۴/۲ درصد) و ۲۰ درصد آنان پنج اولویت و بیشتر داشته‌اند. رابطه تعداد اولویت‌ها با سن اشخاص پاسخ‌گو نشان می‌دهد که افراد دارای بالاترین سن که ۵۵ سال به بالاست، در مجموع کمترین تعداد اولویت‌ها را داشته‌اند و میان‌سالان که عبارت‌اند از اشخاص ۴۶ تا ۵۵ ساله، بیشترین تعداد اولویت را ذکر کرده‌اند.

از آنجاکه سطح سنجش در متغیرها با هم یک‌سان بودند (همه در سطح فاصله‌ای سنجیده شده‌اند)، با توجه به چگونگی توزیع و هدف سنجش که همبستگی میان دو متغیر موردنظر است، آزمون مناسب جهت بررسی رابطه‌ها، ضریب همبستگی پیرسون است.

جدول ۴. رابطه اولویت رفاهی - مادی با اولویت رفاهی - منزلتی و رفاهی - فراغتی

اولویت رفاهی - مادی	اولویت مادی سطح ۱	متغیر مستقل: اولویت رفاهی - مادی
۰/۲۱۵** (۰/۰۱۸)	۰/۰۲۱۱*(۰/۰۲۱)	اولویت رفاهی - مادی سطح ۲
-۰/۳۲۹** (۰/۰۰۰)	-۰/۳۲۴** (۰/۰۰۰)	اولویت رفاهی - منزلتی
-۰/۱۹۸* (۰/۰۰۰)	-۰/۱۸۶* (۰/۰۴۲)	اولویت رفاهی - فراغتی

**همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنادار است. *همبستگی در سطح ۰/۰۵ معنادار است.

همان‌گونه که جدول ۴ نشان می‌دهد، میان دو متغیر اولویت رفاهی - مادی سطح ۱ و سطح ۲، رابطه معنادار معکوس (علامت منفی ضریب همبستگی) با شدت متوسط (۰/۲۱۱-) برقرار است؛ به این معنی که با یک واحد تغییر در یکی از این دو متغیر، متغیر دیگر حدود ۰/۲۱ تغییر می‌کند. به این ترتیب هر چه نمره اولویت رفاهی - مادی (سطح ۱) خانواده پایین‌تر باشد، نمره اولویت رفاهی - مادی (سطح ۲) آنان بیشتر است.

رابطه میان اولویت مادی با اولویت‌های منزلتی و فراغتی نیز گویای رابطه منفی بین اولویت مادی و اولویت‌های منزلتی و فراغتی است؛ به این معنا که هر چه اولویت‌های رفاهی مادی خانواده‌ها بیشتر ارضا شود، اولویت رفاهی منزلتی و فراغتی خانواده بیشتر می‌شود.

جدول ۵. رابطه متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق

آگاهی از امکانات مادی	قناعت	وضعیت اقتصادی	وضعیت اجتماعی - اقتصادی
-۰/۲۴۹** (۰/۰۰۰)	-۰/۳۸۶** (۰/۰۰۰)	-۰/۴۰۰** (۰/۰۰۰)	-۰/۵۱۳** (۰/۰۰۰)
۰/۲۲۹** (۰/۰۱۲)	۰/۰۲۹ (۰/۷۵۶)	۰/۱۴۸* (۰/۰۴۵)	۰/۲۴۸** (۰/۰۰۶)
۰/۲۰۴* (۰/۰۲۶)	-۰/۰۸۱ (۰/۳۸۱)	-۰/۰۱۱ (۰/۹۰۷)	۰/۱۱۵ (۰/۲۰۹)
۰/۰۲۶ (۰/۷۷۵)	-۰/۳۳۵** (۰/۰۰۰)	-۰/۱۷۸* (۰/۰۵۰)	-۰/۱۶۱ (۰/۰۷۹)
-۰/۰۰۳ (۰/۹۷۶)	-۰/۳۷۵** (۰/۰۰۰)	-۰/۱۷۲ (۰/۰۶۶)	-۰/۱۸۱* (۰/۰۵۰)

**همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنادار است. *همبستگی در سطح ۰/۰۵ معنادار است.

همان‌گونه که جدول ۵ نشان می‌دهد، بین دو متغیر وضعیت اقتصادی - اجتماعی و اولویت رفاهی - مادی، رابطه معنادار و معکوس (علامت منفی ضریب همبستگی) با شدت متوسط (۰/۵۱۳-) برقرار است. رابطه میان وضعیت اقتصادی - اجتماعی با اولویت منزلتی و فراغتی نیز گویای آن است که این متغیر با اولویت منزلتی رابطه مثبت برقرار کرده است؛ یعنی با بهبود وضعیت اجتماعی - اقتصادی، اولویت رفاهی - منزلتی افزایش می‌یابد؛ اما میان وضعیت اقتصادی - اجتماعی و اولویت فراغتی رابطه معناداری به دست نیامد.

رابطه معکوس میان تعداد اولویت‌های رفاهی و وضعیت اقتصادی و قناعت در آزمون پیرسون گویای آن است که هر چه نمره وضعیت اقتصادی بالاتر و قناعت خانواده بیشتر باشد، تعداد اولویت‌های رفاهی - مادی خانواده نیز کمتر می‌شود.

میان دو متغیر آگاهی از امکانات مادی و فاصله داشته‌ها و خواسته‌ها، رابطه معنادار (سطح معناداری بیشتر از ۰/۰۵ و برابر با ۰/۹۷۶) دیده نمی‌شود؛ یعنی همبستگی بین این دو متغیر وجود ندارد. می‌توان یکی از دلایل رد این فرضیه را واریانس پایین متغیر آگاهی از امکانات مادی دانست؛ چراکه افراد با فاصله داشته‌ها و خواسته‌های متفاوت از نظر میزان آگاهی، تقریباً در یک سطح هستند.

ضریب همبستگی میان متغیر وضعیت اجتماعی - اقتصادی و فاصله داشته‌ها و خواسته‌ها نزدیک به ۰/۰۵ است و می‌توان وجود رابطه همبستگی بین این دو را تأیید کرد.

میان دو متغیر فاصله داشته‌ها و خواسته‌ها و قناعت، رابطه معنادار (سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ و برابر با ۰/۰۰۰) معکوس (علامت منفی ضریب همبستگی) با شدت متوسط (۰/۳۷۵-) برقرار است؛ به این معنا که با یک واحد تغییر در یکی از این دو متغیر، متغیر دیگر حدود ۰/۳۷ تغییر می‌کند.

در این پژوهش، متغیر وابسته اصلی ما اولویت‌های رفاهی است و این اولویت‌های رفاهی به صورت سلسله‌مراتبی تعیین شده‌اند (در نظریات). با توجه به اینکه اولویت‌های هر پاسخ‌گو

۷. نتیجه‌گیری

طبق مبانی نظری پژوهش، همه افراد نیازهایی دارند که باید با روش‌هایی ارضا شود. افراد پاسخ‌گو در پژوهش ما نیز دارای کمبودهایی بوده‌اند که البته این نیازها به نسبت دارایی و ثروت آنان با یکدیگر متفاوت بود؛ بدین نحو که کسانی که دارایی کمتری داشته‌اند، تعداد نیاز و کمبودهای بیشتری داشته‌اند (تعداد اولویت‌ها تحت تأثیر وضعیت اقتصادی است). به علاوه اینکه نوع اولویت نیز متأثر از متغیر وضعیت اقتصادی اجتماعی است؛ افراد قشر پایین بیشتر اولویتشان از نوع اولویت مادی سطح ۱ بوده است، افرادی که از لحاظ وضعیت اقتصادی اجتماعی در سطح متوسط یا بالا قرار گرفته‌اند بیشتر اولویتشان از نوع مادی سطح ۲ بوده است. نیاز افراد کمی از نوع نیازهای غیرمادی بوده است که این خود نشان می‌دهد افراد جامعه مورد بررسی، عمدتاً درگیر نیازهای مادی‌اند. البته گفتنی است که برخی از افراد تنها یک یا دو نیاز و اولویت داشته‌اند و در صد کمی (۳/۳) نیز هیچ نیازی نداشته‌اند.

البته می‌توان گفت متغیر قناعت اثر درخور توجهی بر تعداد و نوع اولویت‌ها دارد. کسانی که به طور ذهنی خودشان را با آنچه داشته‌اند (ولو اندک) هماهنگ کرده‌اند، کمتر احساس نیاز و رنج می‌کنند.

با این همه به‌طورکلی از این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که نظریه سلسله‌مراتب نیاز مازلو که برای افراد، مستقل از تأثیر فرهنگ، بیان شده است، با نسبت قابل قبولی در جامعه هم دیده می‌شود و می‌توان گفت وضع ۷۰ درصد جامعه با این نظریه تطبیق دارد.

در نهایت پیشنهاد می‌شود برای پژوهش‌هایی از این دست، همه پژوهشگران، سازمان‌ها و ادارات — چه رفاهی و چه سازمان‌هایی که در کنار اهداف خودشان، رفاه کارکنان را مدنظر دارند — باید بیشتر سراغ شاخص‌های ذهنی رفاه بروند تا شاخص‌های عینی. چه‌بسا آنچه آنها فکر می‌کنند، با آنچه نمونه‌های مورد تحقیق مدنظر دارند، یک‌سان نباشد. از آنجاکه ممکن است نیازهایی که در یک نگاه کلی یا نظری برای رفاه، مدنظر گرفته شده است، مطابق با نظر افراد مورد پژوهش نباشد، لزوم انجام پژوهش‌های کیفی در این زمینه مشخص می‌شود. وقتی پژوهش‌های کیفی گسترش یابند، استانداردهایی برای موضوعات، شاخص‌ها و... شکل می‌گیرد و پژوهش‌ها غنی‌تر می‌شوند.

را مشخص کردیم (اینکه نیاز اول هر خانواده در کدام دسته قرار دارد، تعیین شده است. در واقع نیاز اول هر فرد که در یکی از سه دسته اولویت‌های رفاهی قرار گرفته، نماینده اولویت‌های رفاهی سه‌گانه خانوارهاست) متغیر وابسته، که سه نوع اولویت رفاهی بود، به نیاز اول تغییر یافت.

بنابراین با توجه به اینکه می‌خواهیم اثر تعاملی متغیرهای مستقل را بر هم و در واقع اثر خالص هر متغیر مستقل را بر متغیر وابسته بررسی کنیم، با توجه به سطح سنجش متغیر وابسته از تکنیک رگرسیون رتبه‌ای استفاده کردیم. در این رگرسیون، شاخص‌های میزان آگاهی از امکانات مادی، قناعت، وضعیت اقتصادی — اجتماعی و وضعیت اقتصادی به‌منزله کوارتیه در نظر گرفته شدند. نتایج برآمده از خروجی نرم‌افزار نشان می‌دهد که ساختار مدل معنادار بوده، مدل دارای قابلیت توضیح‌دهندگی بسنده است:

$$(-2\log \text{likelihood}= 173/835, \text{Chi-Square}= 17/776, \text{df}=4, \text{Sig}= 0/001)$$

سایر نتایج در جدول زیر آمده است.

جدول ۶. برآوردهای مقادیر پارامتر

متغیرها	مقدار برآورد	خطای استاندارد	آزمون والد	درجه آزادی	سطح معناداری	
					دامنه پایین‌تر	دامنه بالاتر
آماره‌های مربوط به معادله رگرسیون سطوح متغیر وابسته						
اولویت مادی	۲/۶۲۱	۰/۵۹۹	۱۹/۱۳۲	۱	۰/۰۰۰	۱/۴۴۷
اولویت منزلتی	۳/۳۵۱	۰/۶۳۴	۲۷/۹۶۷	۱	۰/۰۰۰	۲/۱۰۹
آماره‌های مربوط به معادله رگرسیون متغیرهای مستقل						
میزان قناعت	۰/۲۸۶	۰/۱۳۱	۴/۷۴۰	۱	۰/۰۲۹	۰/۵۴۳
میزان آگاهی از امکانات	-۰/۰۱۱	۰/۰۵۱	۰/۰۴۶	۱	۰/۸۳۱	-۰/۱۱۱
وضعیت اقتصادی اجتماعی خانواده	۰/۳۱۱	۰/۱۰۲	۹/۳۰۳	۱	۰/۰۰۲	۰/۱۱۱
(وضعیت اقتصادی) درآمد سرانه	664E-6/-1	792E-7/7	۴/۵۶۲	۱	۰/۰۳۳	192E-6/-3
						370E-7/-1

ضریب نکلرک (nagelkerke) نشان می‌دهد که متغیرهای وارد شده به مدل، ۱۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته، یعنی نیاز اول نمونه و جامعه آماری را تبیین می‌کنند؛ یعنی کل متغیرهای مستقل در مجموع حدود ۱۹٪ از نیاز اول جامعه آماری را تبیین می‌کنند.

منابع

- Bruce Headey, & et al, 2010, Long-running German panel survey shows that personal and economic choices, not just genes, *matter for happiness*, v. 107, N. 42, p. 722-725.
- Inglehart, R, 1997, Modernization and Postmodernization: Cultural, Economic and Political change in 43 Societies, PRINCETON University PRESS Newjersey.
- Parasuraman, Valarie A, & et al, 1998, "A Conceptual Model of Service Quality and Its Implications For Future Research", *Journal of Marketing*, v. 49, p. 41-50.
- Park, H, Y, 2006, Hoousing Welfare indicators for the quality of life in korea, *Housing Studies Review*, v. 14 (1), p. 5-26.
- Turner, A, & Whitehead, C.M, 2002, Reducing Housing Subsidy: Swedish Housing Policy in an International Context, *Housing Studies*, v. 39 (2), p. 201-217.
- اینگلههارت، رونالد، ۱۳۷۳، *تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی*، ترجمه مریم وتر، تهران، کویر.
- ترنر، جانانان اچ، ۱۳۷۲، *ساخت نظریه جامعه‌شناختی*، ترجمه عبدالعلی لهسایی‌زاده، شیراز، نوید شیراز.
- جهانگیر فیض‌آبادی، زهرا، ۱۳۸۶، *بررسی میزان کیفیت زندگی و رابطه با رضایت از زندگی در شهر مشهد*، پایان‌نامه کارشناسی، رشته علوم اجتماعی، مشهد، دانشگاه فردوسی.
- رفیع‌پور، فرامرز، ۱۳۷۰، *جامعه‌روستایی و نیازهای آن*، چ دوم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- روشه، گی، ۱۳۷۶، *جامعه‌شناسی پارسونز*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان.
- زارعی‌پور، مراد و همکاران، ۱۳۹۱، «وضعیت سلامت روان و ارتباط آن با رفاه خانواده در دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی شهرستان سلماس در سال ۱۳۸۹»، *توسعه پژوهش در پرستاری و مامایی*، دوره نهم، ش ۱، ص ۸۴-۹۳.
- زاهدی‌اصل، محمد، ۱۳۸۱، *مبانی رفاه اجتماعی*، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.
- شیخی، محمدتقی، ۱۳۸۶، «بودجه و رفاه خانواده در شهر تهران: مطالعه‌ی جامعه‌شناختی از کیفیت زندگی خانواده»، *علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد*، ش ۹، ص ۱۲۱-۱۴۲.
- صدیق اورعی، غلامرضا، ۱۳۷۵، «بررسی موضوعی انتظارات مردم از دولت در روزنامه‌های کثیرالانتشار (مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها)»، *رسانه*، ش ۲۶، ص ۴۳-۴۷.
- صدیق اورعی، غلامرضا، ۱۳۹۲، *جزوه رفاه و تأمین اجتماعی*، مشهد، دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد.
- صلیبا، جمیل، ۱۳۷۰، *واژه‌نامه فلسفه و علوم اجتماعی*، ترجمه کاظم برگ‌نرسی و صادق سجادی، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- طالب، مهدی، ۱۳۸۱، *تأمین اجتماعی*، چ ششم، مشهد، دانشگاه امام رضا.
- عمرانی، محمد و همکاران، ۱۳۸۸، «عامل‌های تعیین‌کننده فقر و تغییرات رفاهی خانوارهای روستایی منطقه سیستان»، *تحقیقات اقتصاد کشاورزی*، ش ۲، ص ۲۱-۴۲.
- فیروز سامعی، خدیجه، ۱۳۸۳، *بررسی رابطه بین وضعیت رفاه و رضایت شغلی کارکنان سازمان تأمین اجتماعی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته برنامه رفاه اجتماعی، تهران، دانشکده علوم اجتماعی علامه طباطبائی.
- قاسمی اردهایی، علی، ۱۳۸۷، «بررسی تطبیقی وضعیت رفاه در خانوارهای شهری و روستایی»، *روستا و توسعه*، سال یازدهم، ش ۲، ص ۱-۲۰.
- مازلو، آبراهام اچ، ۱۳۶۷، *انگیزش و شخصیت*، ترجمه احمد رضوانی، مشهد، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.
- موون، جان سی و میشل اس مینور، ۱۳۸۱، *رفتار مصرف‌کننده*، ترجمه عباس صالح اردستانی، تهران، آن.
- نیازی، صغری، ۱۳۸۳، *اولویت‌گذاری نیازهای جوانان ۲۴-۱۵ ساله در شهر مشهد*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، رشته پژوهشگری، مشهد، دانشگاه فردوسی.
- نراقی، احمد، ۱۳۶۷، *اخلاق اسلامی*، ترجمه مجتبیوی، تهران، حکمت.